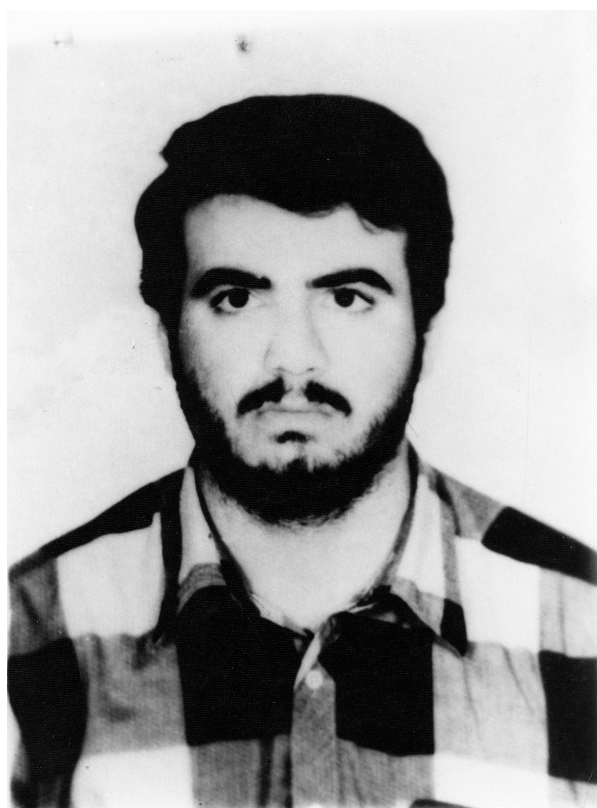


## شهید غلامحسین منصوری



از بشارت علی  
سازمان جامع سرواران و دهستانهای استان بوشهر

نام پدر	علی
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۶/۲۰
محل تولد	بوشهر – گناوه
تاریخ شهادت	۱۳۶۶/۰۶/۰۲
محل شهادت	کنگان
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	پاسدار کمیته
شغل	پاسدار کمیته
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	گناوه

## زندگینامه

پاسدار شهید غلامحسین منصوری فرزند علی در سال ۱۳۴۴ در قریه هلالی از توابع بخش کاکلی شهرستان دشتی در خانواده ای مکتبی و مستضعف دیده به جهان گشود.

تحصیلات ابتدائی خود را در زادگاهش در کنار پدر و مادر خویش گذراند ، پس از کسب مدرک پایان دوره ابتدایی بعزت فقدان مدرسه راهنمایی در روستای محل زادگاهش تصمیم گرفت جهت ادامه تحصیلات به شهرستان گناوه مهاجرت نماید و در نزد خانواده ابراهیم منصوری و عمه زاده های خود به تحصیل مشغول شود و پس از دو سال تحصیل در دوره راهنمایی مصلحت را در آن دید که به کمک پدر بشتابد و تحصیلات خود را نیمه تمام گذاشته بکار مشغول شود .

شهید از لحاظ تقوا و پرهیزکاری کم نظیر بود و از ویژگیهای اخلاقی در بین فامیل و دوستان الگوی زبان زد خاص و عام و همچنین در برخورد با دوستان فروتن و متواضع و در بین خانواده خود از محبوبیت خاصی برخوردار بود .

در اوایل سال ۱۳۶۵ با خانواده مکتبی و مذهبی حاج بشیر عباسی آشنا و با این خانواده وصلت نمود و پس از عقد جهت انجام خدمت مقدس سربازی در کمیته انقلاب اسلامی شهرستان گناوه بعنوان پاسدار وظیفه مشغول خدمت گردید و پس از طی دوره آموزشی بعزت عشق و علاقه ای که به اسلام و امام بزرگوارمان داشت بمنظور مبارزه با کافران بعثی و حفاظت از مرزهای کشور اسلامی ایران راهی جبهه نبرد حق علیه باطل گردید و در مصافی دلیرانه از خود رشادتها نشان داد و در عملیات کربلای ۵ در جبهه شلمچه در اثر بمب شیمیایی مجروح و پس از بهبودی دوباره راهی جبهه شد و پس از اتمام شش ماه مأموریت در کمیته انقلاب اسلامی استان بوشهر مشغول خدمت شد تا اینکه در مصادف با اشراق مسلح و ضد انقلابیون داخلی جان خود را در طبق اخلاص گذاشت و با پیکری خون آلود حسین وار در ۱۳۶۲/۶/۲ به دیدار معبود خود شتافت .

## وصیت نامه

خواهرم حجابت را حفظ کن و از بی حجابی به پرهیز و نمازت را ترک مکن و از خداوند غافل مشو زیرا خداوند هم تو را فراموش خواهد کرد .

## مصاحبه

از خواهر شهید:

احترام به پدر و مادر

خاطره ای که از این شهید به یاد مانده است این است که قبل از شهادتش یعنی یک ماه قبل با همه اقوام و خویشاوندان خداحافظی کرد انکار میدانست به شهادت میرسد . بعد به من و خواهر و برادرهایم نصیحت هایی کرد که آویزه گوشمان کنیم یکی اینکه ایماننان را حفظ کنید و هیچ وقت از خداوند غافل نشوید و بعد از آن درستان را ادامه دهید و تا جایی که در توان دارید درس بخوانید و تا به تحصیلات عالیه برسید و همیشه احترام مادرم و پدرم را نگه دارید و هیچ وقت به آنها بی احترامی نکنید .

حجاب و نماز

خاطره ای که از این شهید به یاد من مانده است که این شهید با همه علاقه ای که به من داشت و مرا بیشتر از بقیه دوست داشت همیشه به من نصیحت هایی میکرد که آویزه گوشم باشد و به من میگفت خواهرم حجاب را حفظ کن و از بی حجابی به پرهیز و نماز را ترک مکن و از خداوند غافل مشو زیرا خداوند هم تو را فراموش خواهد کرد .



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران